

The role of independence and freedom in the second step statement of the revolution

Jafar Rajabloo¹
Robabeh Abdari²

Type of article: A research paper extracted from the Faraja Center for Strategic Studies research project

Received: 14/06/2022

Accepted: 06/09/2022

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.8/NO.1(serial27)/Spring 2023*127-158



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.100981

Abstract

Independence and freedom are among the first slogans and the most important and strategic propositions of the Islamic Revolution. The slogans that have been obvious and evident in the intellectual system of the founder and the leaders of the revolution since the beginning of the Islamic revolution, and are considered one of the main theoretical concepts of contemporary political philosophy, which have had different and sometimes conflicting views; As far as we can say, it has become one of the most complex concepts of contemporary political thought. The purpose of compiling this article is, first, to analyze the concept of independence and freedom in the thought of the Imams of the revolution and the statement of the second step, and then to understand the important achievements and capabilities of Faraja in this field after the revolution and what can be? The current research is practical from the point of view of the goal. The data of this research includes the thoughts and intellectual beliefs of the imams of the revolution, and based on the method of data collection, it is a descriptive and analytical research. In the present research, along with the conceptualization of the words independence and freedom and its analysis in the thought of the leaders of the Islamic revolution along with the explanation of its position in the statement of the second step, the existing capabilities and limitations to maintain and strengthen the achievements after the revolution in the first and second phases (strategy) have been identified.

Keywords: independence, freedom, declaration of the second step of the revolution, imams of the revolution.

1. Member of the Faculty of Information Department, Faculty of Information and Security, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran (corresponding author), j.rajabloo@yahoo.com.
2. Doctoral student of religions and comparative mysticism, Faculty of Theology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran, abdari.r@gmail.com

نقش استقلال و آزادی در سپهر بیانیه گام دوم انقلاب

جعفر رجبلو^۱

ربابه آبداری^۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از پروژه تحقیقاتی مرکز مطالعات راهبردی فراجا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هشتم/ شماره ۱ (پیاپی ۲۷) - بهار ۱۴۰۲* ۱۲۷-۱۵۸



DOR: 20.1001.1.25381946./SSJ.2023.100981

چکیده

استقلال و آزادی از اولین شعارها و مهم‌ترین و راهبردی‌ترین گزاره‌های گفتمانی انقلاب اسلامی است. شعارهایی که از بدو پیدایش انقلاب اسلامی، در منظومه فکری بنیان‌گذار و نیز بزرگان انقلاب، بارز و مشهود بوده‌است و یکی از اصلی‌ترین مفاهیم نظری فلسفه سیاسی معاصر به‌شمار می‌رود که برداشت‌های مختلف و گاه متعارضی به‌همراه داشته‌است؛ تا آنجا که می‌توان گفت به یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم اندیشه سیاسی معاصر مبدل گردیده‌است. هدف از تدوین مقاله حاضر، نخست، واکاوی مفهوم استقلال و آزادی در اندیشه امامین انقلاب و بیانیه گام دوم است و سپس فهم این مهم که دستاوردها و قابلیت‌های اساسی فراجا پس از انقلاب در این حوزه چه بوده و چه می‌تواند باشد؟ پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی است. داده‌های این تحقیق شامل اندیشه‌ها و باورهای فکری امامین انقلاب می‌باشد و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، یک تحقیق توصیفی از نوع تحلیلی است. در تحقیق حاضر، ضمن مفهوم‌شناسی واژگان استقلال و آزادی و واکاوی آن در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی به‌همراه تبیین جایگاه آن در بیانیه گام دوم، قابلیت‌ها و محدودیت‌های موجود برای حفظ و تقویت دستاوردهای بعد از انقلاب در دو چله اول و دوم (راهبردنگاری) شناسایی گردیده‌است.

واژگان کلیدی: استقلال، آزادی، بیانیه گام دوم انقلاب، امامین انقلاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. عضو هیئت علمی گروه اطلاعات دانشکده اطلاعات و امنیت دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

j.rajabloo@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترای ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، abdari.r@gmail.com

مقدمه

پس از عبور انقلاب اسلامی از مرز چهل سالگی، مقام معظم رهبری بیانیه گام دوم انقلاب را خطاب به آحاد مردم و مسئولان، به خصوص جوانان مؤمن و انقلابی، صادر نمودند و با برشمردن تحولات و پیشرفت‌های بزرگ ایران اسلامی در چهل سال اخیر و مقایسه وضعیت کنونی کشورمان با دوران طاغوت، اهداف و قله‌هایی را نیز برای چهل سال دوم انقلاب اسلامی تبیین نمودند. ایشان به گونه‌ای دقیق سرگذشت انقلاب را مورد تحلیل قرار داده و مسیر پیش رو را به مردم می‌نمایاند. در این میان، ایجاد امید به تحقق تمدن نوین اسلامی در پرتو نظریه نظام انقلابی در بیانیه، امری مبرهن است و به‌طور مشخص بر این راهبرد تأکید شده است که امنیت داخلی و خارجی کشور در گرو تحقق همین نظریه است.

در حقیقت، پس از وقوع انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، از یک سو، به دلیل اقتضائات ناشی از انقلاب به‌عنوان یک حرکت اجتماعی گسترده دگرگون‌ساز و از سوی دیگر، به دلیل ماهیت خاص انقلاب و تلاش برای استقرار و بسط حکومت اسلامی، نظام نوپدید با تهدیدهای عدیده‌ای، به‌ویژه در مرزها مواجه شد که بر تحولات داخلی کشور اثرات غیرقابل انکاری بر جای گذاشت و باعث تشدید بسیاری از آسیب‌های موجود یا حتی شکل‌گیری آسیب‌هایی تازه شد. بر این اساس، امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر، متأثر از نتایج و پیامدهای ناشی از انقلاب اسلامی و تحولات پس از آن، از جمله جنگ تحمیلی و برنامه‌های مختلف توسعه در کشور و نیز پیامدهای سیاست‌های انقلابی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است که هر یک در ایجاد یا تغییر وضعیت شاخص‌های امنیت کشور موثر بوده‌اند. بی‌تردید، هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و نیز شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و برخورداری از آرامش در جامعه نبوده و نیست و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند، بدون بهره‌مندی از امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بدین لحاظ، مقوله امنیت پایدار به‌مثابه یک آرمان و به‌عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است و روشن است که برای ایجاد امنیت باید

ساختارهایی وجود داشته باشد تا منافع و نیازهای شهروندان را در این زمینه فراهم نماید. بدین لحاظ، بیانیه گام دوم، سندی در دفاع از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و نقشه راهی برای ملت ایران در مسیر تعالی و پیشرفت کشور و یک سند بالادستی ارزشمند و راهبردی در میان اسناد بالادستی جمهوری اسلامی برای ساختارها و نهادهای تأمین‌کننده نیازها از جمله نیاز نظم و امنیت در جامعه به شمار می‌رود. در این بیانیه، هفت مأموریت تعیین‌کننده راه و افق‌های پیش رو شناسایی شده‌است و باید مفاهیم متعالی آن، از جمله عزت، استقلال، اقتصاد، اخلاق، معنویت و سبک زندگی به‌شکلی دقیق مورد بررسی قرار گرفته و در حوزه روابط داخلی و بین‌المللی تحلیل شود تا چراغ راه فردا شود. در مقاله حاضر، به‌منظور اجرا و تحقق پنجمین توصیه راهبردی، به محور استقلال و آزادی با الگوبری از قواره تنظیم‌شده بیانیه گام دوم پرداخته شده‌است.

درحقیقت، با طلوع انقلاب اسلامی مفهوم استقلال همچون مفاهیم دیگر، با دگرگونی ذاتی روبه‌رو شد. این روند در بخش‌های مختلف کشور نمودهای مختلفی داشت از جمله در ساختارها و نهادهایی که سالیان متمادی توسط کشورهای خارجی و مستشاران نظامی و انتظامی آنها هدایت و تأمین می‌شد و درواقع، زمینه استقلال عملی و نظری از آنها سلب شده بود. نهادهای انتظام‌بخش و پلیس با عناوینی چون نظمیه، ژاندارمری، شهربانی و ... مهم‌ترین دستگاه‌هایی بودند که با حمایت کشورهای بیگانه به تأمین نظم و امنیت می‌پرداختند اما پس از انقلاب، با اهمیت و الویت یافتن نظم و امنیت، این امر با دگرگونی‌هایی روبه‌رو شد که از جمله آن، تعریف نوین از استقلال دستگاه انتظامی، تجمیع نیروهای هم‌سو با عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی و نیز تغییراتی از درون در حوزه ساختار و عملکرد نیروهای انتظامی بود که به‌طورمستقیم با روند استقلال عملی و نظری این نیرو مرتبط می‌گشت. این تغییرات باعث شد که نیروهای ادغام‌شده جهت سازماندهی و پاسخ به نیازهای جامعه، خود دست به کار شده و با قطع دست مستشاران خارجی و با بهره‌گیری از تجارب داخلی و خارجی، نسبت‌به تشکیل یک ساختار بومی با

نیروهای ولایی، جهادی، مردمی و انقلابی متناسب با نیازهای موجود و آتی کشور و در تراز انقلاب و در شأن ملت ایران اقدام نمایند. این اقدام تا جایی پیش رفت که نه تنها زمینه‌ساز استقلال، عدم وابستگی و استحکام ساخت درون سازمان را ایجاد نمود بلکه توانست زمینه تقویت دیپلماسی انتظامی و انتقال تجارب این حوزه به کشورهای اسلامی منطقه و حوزه مقاومت را نیز فراهم آورد. بر همین مبنا، مقاله حاضر به تاسی از بیانیه گام دوم انقلاب و هم‌راستا با اسنادی که تاکنون در سازمان انتظامی و محیط کلان‌تر آن و سطح کلان کشور وجود داشته‌است، در دو سطح - چله اول: دستاوردهای انتظامی و چله دوم: الزامات و توصیه‌های راهبردی - به تبیین محور استقلال و آزادی در بیانیه گام دوم پرداخته‌است. بدین‌منظور، نخست، واکاوی مفهوم استقلال و آزادی در اندیشه امامین انقلاب و گام دوم صورت پذیرفته است و سپس به تحلیل این مهم پرداخته شده‌است که دستاوردها و قابلیت‌های اساسی سازمان انتظامی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب در این حوزه چه بوده و چه می‌تواند باشد؟

روش پژوهش

روش گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای - اسنادی و روش پژوهش، از نوع توصیفی - تحلیلی است. در آغاز، معنا و مفهوم امنیت و استقلال برخاسته از مبنای اسلامی در اندیشه و فقه امام‌خمينی(ره) و امام‌خامنه‌ای(مدظله‌العالی) مورد بررسی واقع شده و سپس به‌منظور کشف نقش و جایگاه این مفاهیم در ساختار پلیس، به کشف دستاوردهای این حوزه در چله نخست انقلاب و نحوه بهبود و ارتقای آنها در چهل سال دوم پرداخته می‌شود. بدین‌ترتیب، ابتدا با مطالعه مفهوم آزادی و استقلال نزد امامین انقلاب به تشریح و توصیف ابعاد آن در نزد ایشان و پس از آن، ضمن بررسی سیر شکل‌گیری فراجا در ایران و نحوه نگرش آن به موضوع تحقیق، به بررسی دستاوردها و چگونگی ارتقای این مقوله برابر بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته می‌شود.

مباحث نظری پژوهش

مفهوم‌شناسی واژگان

"استقلال و آزادی" پنجمین محور مورد تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم است. از منظر ایشان، «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است؛ و این هر دو، از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه الهی به انسان‌هایند و هیچ‌کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند». طبق بیانات رهبر انقلاب، «کشور و ملت ایران در نتیجه مقاومت در برابر نظام سلطه، اتخاذ رویکرد انقلابی و جهادی و اتکا به توانمندی‌های داخلی به کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین و پیشرفته در علم تبدیل شده است». ایشان در این بیانیه "استقلال و آزادی" را یکی از برکات مهم انقلاب اسلامی بر شمرده‌اند که برای پاس‌داشت و ارتقای این "ثمر شجره طیبه انقلاب" از خطر "تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه" باید از آن حراست کرد.

الف. استقلال

از نظر واژه‌شناسی، استقلال از ریشه "قلل" در باب استفعال و مرتبط با واژه‌هایی چون قلیل، قلت و تقلیل است و معنی اصطلاحی آن، "کم کردن و به حداقل رساندن" می‌باشد. فرهنگ وبستر استقلال را به معنی آزادی از کنترل یا حمایت بیرونی معنا کرده است و به‌طور خاص، زمانی که یک دولت یا منطقه به آزادی سیاسی از کنترل خارجی دست پیدا می‌کنند، استقلال یافته تعبیر می‌شوند. در فرهنگ علوم سیاسی، استقلال یعنی جدا بودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه خارجی و آزادی اراده ملی برای اداره امور داخلی و خارجی خود، که از خلال سازمان سیاسی دولت پدیدار می‌شود. استقلال در یک تعریف مدرن، وضعیتی است که در آن، مردم یک کشور سرنوشت خود را در دست داشته و در قلمرو خود، از حاکمیت برخوردار باشند. در واقع، ارتباط مستمر و مؤثر بین عناصر یک دولت — ملت اعم از جمعیت، سرزمین و حاکمیت، بدون دخالت و اخلال بیگانه منجر به پدید آمدن استقلال می‌شود.

در یک تعریف عملیاتی، می‌توان استقلال را داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاستگذاری همراه با اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت تعریف کرد.

استقلال یک مفهوم چند وجهی است که نمی‌توان دلالت معنایی آن را فقط به حوزه‌های سیاسی محدود کرد و یک ارزش انسانی است که در تقابل با سرشت مذموم سلطه‌طلبی بشر رشد می‌کند و در ساحت‌های مختلف شخصیتی، فرهنگی، اقتصادی، علمی، اجتماعی و سیاسی بازتاب داده می‌شود. درواقع، مفهوم استقلال و دلالت معنایی آن به‌عنوان یک ارزش انسانی، دو روی یک سکه‌اند که بدون هم، وجود خارجی نخواهند داشت و میل به استقلال، بخشی از فطرت انسان‌هاست و جزء ذاتیات انسان محسوب می‌شود (نبوی و اسکندری، ۱۳۹۶). بر این مبنا، کشوری مستقل نامیده می‌شود که از حیث روابط بین‌الملل و از لحاظ امور داخلی، مطیع کشور دیگر نیست و می‌تواند در کمال آزادی، قوای داخلی (مقننه، مجریه و قضائیه) را برقرار سازد، قوای نظامی و انتظامی موردنیاز خود را به‌وجود آورد و با کشورهای بیگانه، پیمان سیاسی، نظامی، تجاری، فرهنگی و ... منعقد کند.

استقلال دارای انواع مختلفی چون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فردی و ... است و هر یک نیز نزد اندیشمندان و تصمیم‌گیران، از تعریف و جایگاه خاص خود برخوردارند. امامین انقلاب اسلامی نیز با آگاهی از منابع دینی و بهره‌گیری از فقه، با نگاهی جامع که برآیند بیش از نیم قرن حیات پر حرکت علمی و عملی بوده‌است، بر مقوله استقلال کشور در زمینه‌های مختلف تأکید و به طرق مختلف خواستار ایجاد، حفظ و تداوم استقلال در موضوعات و مسائل مختلف کشور بوده و هستند؛ زیرا استقلال در تمامی زمینه‌ها را منشأ خیرات و برکات بی‌ظنیر و در مقابل، وابستگی را منشأ تمام بدبختی‌های کشور می‌دانند.

استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی و اتکا به توان و ثروت داخلی و تلاش برای عبور از وابستگی به کشورهای دیگر، از مهم‌ترین ابعاد مدّ نظر امامین انقلاب بوده و

هست. امام خمینی (ره) در طول سال‌های مبارزه و روشنگری، بر وابستگی شدید مملکت به قدرت‌های بیگانه تأکید و نسبت به اسارت کشور در دست آن قدرت‌ها و به‌یغمارفتن منابع اصیل ثروت مردم و اکثراً نشان می‌دادند. از منظر ایشان، ملت ایران می‌بایست با تکیه بر منابع طبیعی کشور و باور به توانایی‌های خویش و توکل بر خدای بزرگ، خود را در تأمین نیازهای اساسی و ارزاق عمومی کشور به مرز خودکفایی برساند. از نگاه ایشان، کشوری که در نیازهای اساسی و ارزاق عمومی اش وابسته به دیگران باشد، خواسته یا ناخواسته، به‌لحاظ سیاسی و فرهنگی نیز به اسارت آنها در خواهد آمد. امام‌خامنه‌ای نیز با راهبردی دانستن استقلال اقتصادی، آن را مانع نفوذ دشمن و سلطه‌پذیری دانسته و می‌فرماید: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است ... تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این‌جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد» (بیانیه گام دوم انقلاب).

استقلال هویتی - فرهنگی

استقلال هویتی - فرهنگی بعد دیگری از ابعاد استقلال مدنظر امامین انقلاب است و در اشاره به اتکا به فرهنگ و هویت غنی ایرانی - اسلامی و عدم وابستگی به فرهنگ غربی و غیراسلامی است. امام‌خمینی (ره) از آغاز مبارزات، بر این حقیقت تأکید داشتند که از خودبیگانگی و مرعوب‌شدن در برابر تبلیغات پرطمطراق بیگانگان، موجب نفی هویت جمعی می‌شود و مرعوب‌شدن در برابر فرهنگ وارداتی، زمینه فقدان استقلال در موضوعات دیگر را نیز موجب خواهد شد. از دیدگاه ایشان، بزرگ‌ترین مؤلفه‌ای که می‌تواند جامعه‌ای بزرگ از انسان‌ها را با هویتی واحد گرد هم آورد و تمایزات موهوم میان آنان را شکسته و نابود سازد، مؤلفه باور و اعتقادات دینی است: «هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال

پیدا بکند آلا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملت‌ها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند ... که گمان می‌کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ‌جا نیست» (همان). در همین راستا رهبر انقلاب نیز بیان می‌دارند: «فرهنگ ما، فرهنگ الهی است؛ این فرهنگ، استقلال ما را تضمین و تأمین می‌کند، آزادی ما را هم تأمین می‌کند. آن کسانی که به نام آزادی، ولنگاری را در جامعه ترویج می‌کنند، آزاد نیستند، اینها اسیر دست‌بسته فرهنگ غربی‌اند؛ فرهنگ غربی است که دارد اینها را هدایت می‌کند؛ این چه آزادی‌ای است؟ آزادی این است که شما نیت خودتان، ایمان خودتان، فکر خودتان، قرآن خودتان، الگوی اسلامی خودتان را داشته باشید و آن را دنبال بکنید؛ این آزادی است؛ این عظمت است، این حریت است؛ این باید تأمین بشود» (بیانات، ۹۶/۱۲/۱۷).

استقلال سیاسی و ملی

استقلال سیاسی و ملی رکن رکین استقلال در همه ابعاد آن است و اساساً یکی از اهداف انقلاب اسلامی کسب استقلال ملی و سیاسی بود؛ چنان‌که امام خمینی (ره) در این زمینه فرمودند: «ما خواهان استقلال هستیم و روابط خود را با جهان غرب بر این اساس پی‌ریزی می‌نماییم. ما می‌خواهیم ملت ایران غربرده نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام بردارد (صحیفه امام، ۴: ۱۶۰) و نیز «بنیاد دیگر اسلام، اصل استقلال ملی است. قوانین اسلام تصریح دارند که هیچ ملتی و هیچ شخصی حق مداخله در امور کشور ما را ندارد اما رژیم این استقلال را از ما گرفته و بر باد داده است» (همان: ۲۴۳). امام‌خامنه‌ای نیز با بررسی تطبیقی شورهایمانند هند و بنگلادش در مصاف با ایران، زمینه‌های نفوذ را ناشی از عدم‌برخورداری از استقلال سیاسی تلقی می‌نمایند: «دو دسته کشور در دنیا به وجود آمد: کشورهای مسلط و کشورهای زیر سلطه. کشورهای مسلط، البته عمدتاً یا عموماً کشورهای اروپا بودند؛ یک عواملی پیش می‌آید و یک بخشی از دنیا یا یک کشوری از کشورهای دنیا یک رجحانی بر دیگران پیدا می‌کند. به‌هر حال این اتفاق افتاد: کشورهای مسلط و کشورهای زیر سلطه. خب؛ یک دوگانه‌هایی به وجود آمد.

دوگانه استقلال و وابستگی، استقلال سیاسی و وابستگی. کشور کوچکی مثل انگلیس مستقل بود، یک دریای با عظمتی مثل شبه‌قاره هند - شامل هند و پاکستان و بنگلادش بعدی - تحت نفوذ آن و وابسته سیاسی بود. یا یک کشوری مثل ایران با این سابقه فرهنگ، از لحاظ سیاسی وابسته بود - چه در اواخر دوره قاجار، چه در دوره پهلوی - وابسته به چه؟ مثلاً فرض کنید به یک کشور کوچکی مثل کشور انگلیس. یعنی یک دوگانه این‌جوری هم به وجود آمد؛ استقلال سیاسی و وابستگی سیاسی» (بیانات، ۹۶/۰۳/۱۷). در همین راستا، ایشان در جای دیگر، جمهوری‌اسلامی را مظهر استقلال ملی معرفی کرده و می‌فرمایند: «امروز درگیری جهانی، بین حرکت استکباری و حرکت ارزشی و استقلال ملی و هویتی است که مظهرش انقلاب اسلامی یا جمهوری اسلامی است؛ دعوا امروز در دنیا این است؛ نه اینکه دعوای دیگری نیست؛ چرا، بالاخره بر سر یک جیفه هم سگ‌ها به‌جان هم می‌افتند، با هم دعوا می‌کنند، این هست؛ لکن دعوای اصلی این است، خط اصلی و جبهه اصلی این است» (بیانات، ۹۴/۰۹/۰۴).

استقلال علمی، استقلال فکری، استقلال فردی، استقلال صنعتی و ... نیز از جمله ابعاد دیگری از استقلال است که در بیانات رهبران انقلاب اسلامی قابل ردیابی است؛ بر این اساس، در این بخش می‌توان اهمیت بخشی از شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و تأکید تداوم آن در بیانات امام (ره) و رهبری را درک کرد. اما به‌درستی این شعار، استقلال در کنار آزادی اهمیت دارد و نظام جمهوری اسلامی برآمده از نسبت و رابطه دقیق این دو مقوله است. بر این اساس، در کنار استقلال، پرداختن به مفهوم آزادی نیز امری حائز اهمیت تلقی می‌شود.

ب. آزادی

در فرهنگ لغت، آزادی در معانی‌ای چون قدرت انتخاب، رهایی، ضدّ بندگی، استقلال در عمل، از آمیختگی رها شدن آمده‌است و در اصطلاح نیز به‌معنی فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان، سلب مانع ترقی و تکامل، داشتن حق انجام هر عملی تاحدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد و...

تعریف شده‌است. امروزه، بیش از صدها تعریف از واژه آزادی وجود دارد؛ به‌طوری‌که آزادی را گاه به آزادی حقوقی و فلسفی و گاه به بیرونی و درونی و یا "آزادی از" و "آزادی در" یا آزادی و آزادگی تقسیم می‌کنند. گاهی نیز آزادی را در برابر بندگی و عبودیت، گاه در برابر بردگی و گاه در برابر قانون قرار می‌دهند. گاهی آن را برابر دموکراسی و گاه به‌معنای دموکراسی به کار می‌برند و گاهی نیز آن را با برابری و عدالت هم‌معنا می‌کنند (صالحی، ۱۳۹۶). مکارم شیرازی معتقد است که ساده‌ترین تعریف ارائه‌شده از این واژه، به‌معنای "فقدان منع و جلوگیری" است. این تعریف بسیار مبهم و چند پهلو، درحقیقت با آزادی منفی مناسبت دارد. در تعریف دیگری گفته شده‌است که «آزادی قدرت‌داشتن برای انجام‌دادن هر کاری است که به دیگران زیان نرساند» (رحیمی، ۱۳۵۸: ۹). از آزادی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مفاهیم نظری فلسفه سیاسی معاصر، تعاریف و برداشتهای مختلف و گاه متعارضی از آن ارائه شده‌است؛ تا آنجاکه این مفهوم، به یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم اندیشه سیاسی معاصر بدل گردیده‌است. واژه آزادی به مفهوم مختلطی اشاره دارد که شامل مفاهیم پایه‌ای خودمختاری، حکومت بر خود و استقلال از یک سو، و توانایی کلی در انجام کارها، داشتن انتخاب‌های مختلف و توانایی کسب هدفها از سوی دیگر است. داشتن انتخاب‌های مختلف در انجام یک کار به این معنی است که اگر شخص بخواهد آن را انجام دهد، هیچ‌چیز نباید او را از انجام آن بازدارد و اگر نخواهد آن را انجام دهد نیز هیچ‌چیز نباید او را مجبور به انجام آن کند. حد بالای این قابلیت انتخاب این است که حتی عوامل درونی روانی نیز مانعی در انجام انتخاب ایجاد نکنند (کریمی، ۱۳۹۶: ۴).

آزادی در بیانات امامین انقلاب

در اندیشه امامین انقلاب اسلامی، مفهوم آزادی از تفاوت‌هایی ریشه‌ای با تعریف‌های ارائه‌شده در غرب و شرق برخوردار است. ابتدای انقلاب بر اسلام بیانگر برداشت ما از مفهوم کلی آزادی در این مکتب است. آزادی در اسلام در یک معنای کلی، «آزادی از هر قید و بند و از هر عبودیتی به‌جز عبودیت برای خدای سبحان است» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ۴: ۱۸۳). این مهم‌ترین شاخص و

ممیز مفهوم آزادی در انقلاب اسلامی نسبت به سایر مکاتب و نظام‌های سیاسی است. در همین راستاست که امام خمینی (ره) قانون، انقلاب، تمدن و اسلام را در ارتباط با آزادی و استقلال کشور معرفی کرده و در مصاحبه با مجله آلمانی اشپیگل درباره دلایل قیام مردم می‌فرماید: «سبب اصلی قیام مردم کشور، شخص شاه و رژیم اوست. این پدرش و خود اوست که طی پنجاه و پنج سال، اولاً با اسلام با کینه‌توزی دشمنی کرده‌اند و در حذف اسلام به‌عنوان حافظ آزادی و استقلال کشور کوشیده‌اند؛ ثانیاً تمام آزادی‌ها و حقوق ملت مصرح در قانون اساسی را از میان برده‌اند» (مصاحبه ۱۶/۸/۱۳۵۷). همچنین، به‌زعم ایشان، «اول مرتبه تمدن، آزادی ملت است. یک مملکتی که آزادی ندارد، تمدن ندارد». به بیان دیگر، «مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشد در اظهار عقاید و رأیشان» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ۵: ۳۲). به اعتقاد امام (ره) با رفع گرفتاری‌ها، «احزاب آزاد هستند ... اسلام هم جلوی آزادی را هیچ‌وقت نگرفته‌است؛ بیش از اینکه جلو توطئه را» (همان، ۱۰: ۹۷).

رهبر معظم انقلاب نیز مفهوم آزادی را ریشه‌دار در مکتب قرآن و اهل بیت می‌داند. ایشان آزادی را یکی از مفاهیم دینی برمی‌شمارد که ریشه در قرآن و تعالیم پیامبران و اولیای معصوم (ع) دارد. مفهومی که ایشان از آزادی در ذهن دارند، فراتر از آزادی معنوی است و آن را یک آزادی اجتماعی و سیاسی که با محوریت تعالیم اسلامی باشد تعریف می‌کنند: «مسئله آزادی یکی از مقولاتی است که در قرآن کریم و در کلمات ائمه (علیهم السلام) به‌طور مکرر و مکرر روی آن تأکید شده‌است. البته ... مرادمان آزادی مطلق نیست که هیچ طرفداری در دنیا ندارد ... مرادمان، آزادی معنوی هم که در اسلام و به‌خصوص در سطوح راقی معارف اسلامی هست، نیست؛ آن محل بحث ما نیست ... منظور از آزادی ... آزادی اجتماعی است؛ آزادی به‌مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن و از این قبیل. همین مقوله، در کتاب و سنت مورد تجلیل قرار گرفته‌است» و نیز «اولاً باید بدانیم که آزادی به‌معنای رها بودن از هر قید و بند و ندیدن مانع بر سر راه خود و اینکه هر کسی هر کاری که مایل هست و دوست می‌دارد، آن را بتواند انجام بدهد، این در هیچ‌یک از مکتب‌ها و فرهنگ‌ها و

نظرات فلسفی و اجتماعی، به صورت یک ارزش ذکر نشده. آزادی بی بند و بار، آزادی مطلق را هیچ کس در دنیا طرفداری نکرده و ممکن هم نیست. در جامعه بشری، اگر ما فرض کنیم که یک انسان در هر کاری که مایل است انجام بدهد، آزاد باشد و هیچ مانعی بر سر راه او نباشد، نفس این آزادی طبیعی است که آزادی بسیاری از مردم دیگر را محدود خواهد کرد؛ راحتی آنها را، امنیت آنها را، آزادی آنها را سلب خواهد کرد؛ بنابراین، آزادی انسانیت و جامعه انسانی به صورت مطلق اصلاً نه ممکن است و نه کسی طرفدار اوست؛ حتی آنارشیست‌هایی که در قرن نوزدهم و بیستم در اروپا پیدا شدند و شعار آزادی از تمام قوانین اجتماعی و قیود اجتماعی را سر دادند، آنها هم باز یک حدودی و یک قیودی را بهش معتقد بودند و در عمل رعایت می‌کردند. خلاصه، آزادی به معنای مطلق یعنی اینکه انسان هر کاری که مایل بود، هر چیزی که اراده کرد، برایش مباح باشد، یله باشد، رها باشد، این نه منطقی است، نه ممکن است و نه هیچ کس در دنیا از آن طرفداری کرده...» (بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۵).

در دیدگاه امام خمینی (ره)، آزادی و اظهار عقیده پیوندی تنگاتنگ دارند: «دولت اسلامی، یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیت‌های مذهبی آزادی به طور کامل هست و هر کس می‌تواند اظهار عقیده خودش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را به عهده دارد و دولت اسلامی، تمام منطوق‌ها را با منطوق جواب خواهد داد» (صحیفه امام، ۲: ۴۱۰).

علاوه بر امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب نیز بر مفهوم درست آزادی و امکان ظهور واقعی آن در بستر انقلاب اسلامی تأکید دارند: «ما به آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی معتقدیم. اصلاً این مفاهیم و این حقایق را انقلاب و پیش‌روان انقلاب به این کشور آوردند. قبلاً این چیزها در این کشور نبود. از آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های اجتماعی، نه خبری بود و نه حتی اسمی بود. اینها را انقلاب برای این کشور آورد» (بیانات، ۱۳۷۷/۰۶/۲۴). «آزادی فکر و بیان هم یکی از ارزش‌های انقلاب بود. مردم می‌خواستند آزادانه فکر کنند. آن روز، آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی تصمیم‌گیری هم نبود. مردم این را نمی‌خواستند؛ می‌خواستند این آزادی‌ها باشد» (بیانات، ۱۳۷۹/۲/۲۳). در واقع، از

نظر رهبر انقلاب «این شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" که در دوران انقلاب رایج بود، حرف دل مردم بود و مردم این را می‌خواستند ... در طول سال‌های مشروطیت و تا قبل از انقلاب اسلامی، هرگز اتفاق نیفتاد که این مردم با شوق، با رغبت و بامعرفت به پای صندوق رأی بروند و کسی را انتخاب کنند. انتخاب معنی نداشت. حکومت، حکومت موروثی؛ مسئولان و زمامداران، سفارش‌شده قدرت‌های بیگانه؛ مجلسی که به نام مجلس شورا از مشروطیت به‌وجود آمده‌بود، مجلس دست‌نشانده و غیرمنتخب مردم! مردم هم اسیر و دستخوش تصمیم‌هایی بودند که این مجموعه غیرمسئول و غیرمتعهد برای آنها می‌گرفتند» (بیانات، ۱۳۸۷/۲/۱۱).

بر این اساس، می‌توان گفت از منظر امامین انقلاب، صرف‌نظر از قرائت‌های مبتذل آزادی، مردم ایران در تمامی ادوار پیش از انقلاب بهره‌چندانی از آزادی به‌معنای اعم نبرده بودند و مهم‌ترین شاخص‌های آزادی که خواست ملت برای انقلاب را شکل می‌داد، عبارت بودند از آزادی سیاسی به‌خصوص آزادی حق انتخاب سرنوشت و انتخاب حاکمان، آزادی فکر و بیان و آزادی‌های اجتماعی. در نگاهی اجمالی، می‌توان دریافت که در اندیشه امامین انقلاب، به دو عنصر "آزادی" در بعد داخلی و "استقلال" در بعد خارجی توجهی ویژه مبذول شده‌است. استقلال و آزادی موردنظر رهبران انقلاب اسلامی ریشه در اسلام و قوانین شرع دارد و استقلال و آزادی در عین‌اینکه به یکدیگر مرتبط هستند، در ارتباط با جمهوری اسلامی معنادار می‌شوند. استقلال بدون آزادی - که همان ظهور اراده ملی و پشتوانه مردمی است - دوام نمی‌یابد و آزادی نیز بدون وجود استقلال، منجر به وابستگی و استحاله در نظام بین‌الملل خواهد شد.

ج. مفهوم استقلال و آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب

اهمیت موضوع استقلال و آزادی در کنار سایر موضوعات اساسی به‌اندازه‌ای است که در بیانیه گام دوم انقلاب در بخش پنجم به‌طور ویژه به مفهوم استقلال و آزادی در کنار یکدیگر پرداخته شده‌است. در این بخش، "استقلال و آزادی" ارزش‌هایی اسلامی و عطیه‌ای الهی هستند و نه امری برساخته از حکومت‌ها؛ و این همان تفاوت نگاه انقلاب اسلامی و دیگر مکاتب است. در

بخش پنجم از بیانیه، مفهوم استقلال و آزادی، توأمان و در قالب ذیل تعریف شده است: «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است. و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه الهی به انسان‌هاست و هیچ‌کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دواند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله خود، از جمله آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صد‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره طیبه انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی‌توان در خطر قرار داد. همه - مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظف به حراست از آن با همه وجودند. بدیهی است که "استقلال" نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و "آزادی" نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود».

در بیانیه گام دوم انقلاب، ده مرتبه واژه استقلال به کار رفته است و سه بار به موضوع وابستگی و دوازده مرتبه به واژه آزادی اشاره شده است. بدین لحاظ، در این تعریف متقابل از استقلال و آزادی نکات بسیار موشکافانه‌ای نهفته است که می‌توان آنها را به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

۱. استقلال در بطن خود آزادی ملت و حکومت را به بار می‌آورد؛
۲. استقلال ریشه‌ای اسلامی دارد و باید از منظر و مرآء دینی به آن نگاه شود؛
۳. استقلال در ماهیت خود خصلت مبارزاتی دارد؛ بنابراین، کسانی که برای آن جنگیده‌اند، بیش از دیگران توانایی تأمین آن را دارند؛
۴. استقلال در حوزه‌های مختلفی معنا دارد که سیاست و اقتصاد از مهم‌ترین آنها است؛
۵. مفهوم استقلال با آزادی در تناظر نیست؛

۶. استقلال به مفهوم انزوا و انحصار سیاسی و اقتصادی کشور نیست.

در حقیقت، از آنجاکه رهبر معظم انقلاب در تدوین کلمه به کلمه این بیانیه دقت نظر به خرج داده‌اند، ترتیب و تقدم مفاهیم مرتبط با هم در این متن را می‌توان گویای میزان اهمیت آنها در نظر معظم‌له دانست (صفارهرندی، ۱۳۹۷). با این استدلال، در ساحت "اندیشه و منظومه ارزش‌ها"، از منظر رهبری، مفهوم آزادی در گام دوم انقلاب نسبت به مفاهیمی چون اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری، از اولویت رتبی برخوردار است؛ چراکه مقدم بر آنها ذکر شده است. در ساحت "حکمرانی"، آزادی در بیانیه گام دوم، قرین و هم‌ردیف استقلال و معادل آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه دانسته شده است. در ساحت "مرزهای آزادی اجتماعی"، در بیانیه گام دوم به صراحت ذکر شده است که «آزادی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود»؛ بر این اساس، مرزهای آزادی اجتماعی را باید عدم تقابل با موارد ذکر شده دانست.

درواقع، همگامی استقلال و آزادی یکی از دستاوردهای اصلی انقلاب اسلامی است و از دید مقام معظم رهبری، استقلال تنها در زمینه سیاسی نیست بلکه در زمینه‌های علمی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و به‌ویژه فرهنگی، قابل تعریف است و رسیدن به این موارد، نیازمند رهایی از عیوب و وابستگی‌هایی است که در بند سه بیانیه گام دوم، بیان شده است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی‌بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام، عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است.

در مجموع، استقلال و آزادی از مهم‌ترین دستاوردهای چهل‌ساله انقلاب اسلامی است که در سایه آن، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی

جمهوری اسلامی ایران و مشارکت و حق انتخاب از آسیب‌های احتمالی مصون می‌ماند. در چهل سال آینده نیز دولت‌ها باید در تعاملات خود، این اصول مهم و غیرقابل‌تغییر را مدّ نظر داشته و حفظ استقلال و حراست از آزادی را راهبرد اصلی نظام اسلامی در سیاست‌های خود قلمداد نماید (پاک‌آیین، ۱۳۹۸). این راهبرد با وجود مشخص‌بودن تعریف و ویژگی‌ها در زمان اجرا توسط سازمان‌ها و نهادهای مختلف از جمله پلیس، باید به‌گونه‌ای اجرا و حفاظت شود که از وارد آمدن کمترین خللی به آنها پرهیز گردد؛ زیرا هم در ارتباط مستقیم با سلیقه‌ها و رفتار افراد و هم کلیت جامعه است.

برکات و دستاوردهای حوزه استقلال در انتظام و امنیت پس از انقلاب اسلامی (تا مقطع گام دوم)

با توجه به نوع نگاه رهبران انقلاب به مقوله‌های آزادی و استقلال و تأکید مکرر بر حفظ و حراست از آنها به‌عنوان اولویت‌های نظام، این مقوله برای کشور و دستگاه‌های مختلف، از جمله سازمان انتظامی جمهوری اسلامی ایران برکات فراوانی در برداشته است که در جدول شماره ۱ به آن پرداخته شده است.

جدول ۱. دستاوردهای استقلال و آزادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در فراجا

ردیف	دستاوردهای چله اول انقلاب اسلامی	الزامات و توصیه‌های راهبردی در چله دوم انقلاب اسلامی
۱	ادغام نیروها و تشکیل ید واحد انتظامی	بازتعریف ناجا (معماری ناجای آینده) در افق تمدن اسلامی - ایرانی
۲	تولید امنیت و انتظام ملی بر مبنای شاخص اسلامی	تدوین و تعمیق رویکرد تمدنی با توجه به الزامات فراجای آینده
۳	عدم وابستگی به سیستم‌های خارجی	حفظ، تقویت و افزایش اقتدار پلیس بستر ساز استقلال و آزادی شهروندان
۴	مبارزه با نفوذ خارجی در حوزه امنیت انتظامی	نقش‌آفرینی در کنترل و نظارت بر آزادی‌های اجتماعی و مدنی
۵	پایه‌ریزی علمی ساختار سازمان انتظامی	آینده‌پژوهی چالش‌های انتظامی و امنیتی
۶	تربیت نیروی متخصص بومی	بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان و مدیران باتجربه جهت حداکثرسازی آزادی‌های اجتماعی در چارچوب شرع و قانون

ردیف	دستاوردهای چله اول انقلاب اسلامی	الزامات و توصیه‌های راهبردی در چله دوم انقلاب اسلامی
۷	تعامل با ملت و دوری از تقابل اجتماعی	تحقق انتظام و امنیت مردم‌پایه
		ایجاد اقبال مشارکت مردمی
		ورود به حوزه‌های پیشگیری امنیتی با تأکید بر روان‌شناسی اجتماعی
		تأمین استقلال اقتصادی با تقویت امنیت اقتصادی
		تأمین استقلال سیاسی
		برخورد هوشمندانه با رسانه‌های وابسته و معاند در جهت خنثی‌سازی توطئه‌های رسانه‌ای
		تأمین، کنترل و حفاظت از مرزها

الف. دستاوردهای چله اول انقلاب اسلامی در زمینه استقلال و آزادی

۱. ادغام نیروها و تشکیل بد واحد انتظامی

نیروهای انتظامی طی سال‌های پیش از انقلاب در افتراق از یکدیگر می‌زیستند؛ اما پس از انقلاب و در سال ۱۳۷۰ جهت نظم بیشتر و در راستای یکپارچگی به‌منظور تأمین هرچه بیشتر امنیت انتظامی کشور، روند ادغام نیروهای انتظامی در قالب یک ارگان واحد قوت گرفت که منجر به شکل‌گیری سازمان قدرتمند انتظامی جمهوری اسلامی ایران گردید.

ژاندارمری پس از انقلاب اسلامی تا مقطع گام دوم:

ژاندارمری که پیش از این روندی وابسته به نیروهای بیگانه را دنبال می‌کرد، به سمت گرایش‌های انقلابی و هویت بومی ایرانی حرکت نمود و چالش‌های پیشین را به مرور زمان تا ادغام در سازمان انتظامی حل نمود. تغییر و استحاله در نیروها و مسئولان در زمینه‌های فکری و اعتقادی آنان، اولین خروجی تغییر در ژاندارمری پس از انقلاب بود که در این راستا، برابر اسناد و مدارک موجود، آمار شهدا، جانبازان، اسرا و مفقودان مربوط به ژاندارمری تا قبل از ادغام نیروهای انتظامی در هشت‌سال دفاع مقدس عبارتند از ۱۵۹۰۴ نفر که نشان از تغییر ماهیت عقیدتی و نظری نیروهای پیشین و جذب افراد انقلابی در ساختار ژاندارمری دارد. این تعداد نسبت به روندی که طی آن، افکار اروپایی زیربنای

سازمانی را تشکیل می‌دادند، تفاوتی بنیادین تلقی می‌شود. تعداد بالای حضور نیروهای ژاندارمری در جبهه‌های جنگ، نشان از روی آوردن افراد به ارزش‌های اسلامی و درنهایت، عمل بر اساس آن و از برکات انقلاب اسلامی است.

شهربانی پس از انقلاب اسلامی تا مقطع گام دوم:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شهربانی که به‌علت آشفتگی‌های ناشی از انقلاب، همچون سایر نیروهای نظامی در بسیاری از نقاط کشور از هم‌پاشیده بود، بار دیگر توسط نیروهای مؤمن و متعهد بازسازی شده و سروسامان یافت. مهم‌ترین تحولی که باید در این زمینه یاد آور شد، دگرگونی عمیق در ماهیت عملکرد شهربانی و جهت‌گیری جدید و مردمی آن بود. با تغییر نظام، نیروهای متعهد شهربانی در مقابل ارزش‌های نوین انقلاب سر تعظیم فرود آوردند و با سمت‌گیری جدید با اسلام، مردم و انقلاب هم‌ساز و همراه شدند. تغییر محسوس دیگر در فعالیت شهربانی، تغییر رویه و روی آوردن به اهداف انقلابی بود که تبلور آن در حضور گسترده نیروهای شهربانی در جبهه‌های جنگ قابل مشاهده است. برابر اسناد و مدارک موجود، ۲۲۰ نفر شهید، ۶۸۶ نفر جانباز، ۶۶ نفر آزاده و ۲۴ نفر مفقود، آمار شهربانی جمهوری اسلامی تا قبل از ادغام در هشت سال دفاع مقدس بوده است. باید یادآور شد که جمعیت تحت امر شهربانی جمهوری اسلامی در طی این مدت، هفتاد هزار نفر بود که علاوه بر تأمین امنیت در شهرها، با حضور در عملیات‌های دفاع مقدس نقش آفرینی می‌کردند (مهدیان نسب، ۱۳۹۷). از دیگر اتفاقات و وقایع در این نیرو می‌توان به حضور فرماندهان انقلابی در رأس و بدنه و ساختار سازمان اشاره کرد؛ افرادی چون شهید سرتیپ هوشنگ وحید دستگردی و ...

تشکیل کمیته‌های انقلاب پس از انقلاب اسلامی:

تحولات و نیازهای ناشی از پیروزی انقلاب، مسئولان بلندپایه انقلاب از جمله رهبری، شورای انقلاب و دولت موقت را بر آن داشت که به‌منظور برآوردن نیازهای انقلاب و حفظ دستاوردهای آن، نسبت به ایجاد نهادهای انقلابی اقدام نمایند. در این راستا، نهادهایی با مسئولیت معین و با ماهیت انقلابی که برخاسته از متن جامعه و فعل و انفعالات درونی انقلاب بود، شکل گرفتند. این نهادها که هر کدام برای حل معضل و چالش خاصی پدید آمده

بودند، به دو دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول، نهادهایی بودند که نیاز به آنها طولانی مدت تشخیص داده شد؛ همانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، وزارت اطلاعات، کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب و همچنین، نهادهای دیگری که بعدها تبدیل به وزارتخانه شدند. دسته دوم، سازمان‌هایی بودند که در رابطه با مسائل و مشکلات تحمیل‌شده بر انقلاب به وجود آمده و به‌منظور حل مقطعی این معضلات، تبلور سازمانی یافتند؛ همانند بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی، سازمان بسیج اقتصادی، هیئت‌های هفت‌نفره تقسیم زمین و ... (حریم امام، ۳۵۶). بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، کمیته انقلاب اسلامی در روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ و به فرمان حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان اولین نهاد انقلابی به رسمیت در آمد و حفاظت از انقلاب اسلامی و جان و مال و ناموس مردم مسلمان را برعهده گرفت.

۲. تولید امنیت و انتظام ملی بر مبنای شاخص‌های اسلامی

نظریه نوین انقلاب اسلامی ره‌آوردی بود که به‌صورت زیربنایی همه روندهای چالش‌زا را برطرف نمود و از جمله آنها، تغییر شاخص نظری و عملی در پلیس بود. توجه به گزاره‌های اسلامی علاوه‌بر استقلال در عملکرد، یک ویژگی ممتاز نظری را در حوزه تربیت و ساختارسازی در نیروی پلیس به وجود آورد که توانایی رقابت با سیستم‌های جهانی و منطقه‌ای را به‌عنوان هویتی مستقل در حوزه امنیت متبلور می‌ساخت.

۳. عدم وابستگی به سیستم‌های خارجی

تربیت نیروها از یک سو و وابستگی به ساختار تأمین‌کننده انتظام و امنیت از سوی دیگر، در دوران پیش از انقلاب اسلامی، روندی بود که استقلال سازمان‌انتظامی در نظریه‌پردازی و عملکرد را دچار چالش و وابستگی نموده بود. این مسئله باعث گردید تا پس از انقلاب اسلامی در اولین قدم، سازمان‌انتظامی هرگونه وابستگی سیستمی و نظری را بزدايد و درحقیقت، چالش هویتی به‌وجودآمده پیش از انقلاب را در حوزه وابستگی از بین ببرد و خود هویتی بر پایه هویتی اسلامی و ایرانی در حوزه امنیت و انتظام پدید آورد.

۴. مبارزه با نفوذ خارجی در حوزه انتظامی و امنیتی

مسئله دیگری که استقلال سازمان انتظامی را مورد توجه قرار می‌دهد، نفوذی است که از پیش از انقلاب در روندهای رشد و تشکیل نیروهای حافظ نظم و امنیت پدیدار گردید. این مقوله نمود خود را از یک سو، در مبارزه با نفوذ ارزش‌های بیگانه با اسلام و ایران و از سوی دیگر، در تغییر سبک عملکرد و زندگی جستجو نمود. این مختصات پس از انقلاب اسلامی با یکسان شدن نیروها و ادغام آنها بیش‌ازپیش دنبال گردید و هم‌اکنون نیز به‌عنوان ساختاری مستقل، قدرتمند، گسترده و مطمئن بدون وابستگی به کشورهای بیگانه ارزیابی می‌گردد.

۵. پایه‌ریزی علمی ساختار سازمان انتظامی

از دیگر نمودهای استقلال نظری سازمان انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تربیت علم‌محور است؛ بدین معنا که نیروهای حافظ امنیت و نظم جامعه نه تنها در حوزه آموزش وابسته به جریان‌های بیگانه نیستند، بلکه پس از انقلاب با تأسیس مراکز علمی و دانشگاه‌هایی همچون دانشگاه علوم انتظامی امین، مرکز مطالعات راهبردی، پژوهشگاه علوم انتظامی و اقمار آن، سعی در تولید علوم انتظامی و نظریات بومی حوزه انتظام و امنیت دارند که این امر، خود، ضامن استقلال ارزشی و نظری است.

۶. تربیت نیروهای متخصص بومی

یکی از مهم‌ترین ارکان استقلال عملی و نظری در سازمان انتظامی، تربیت نیروهای بومی بر پایه فرهنگ ایرانی - اسلامی است. این نیروها بدون وابستگی به ساختارهای فکری و تربیتی غربی، در زمینه‌های مورد نیاز جامعه و کشور به صورت تخصصی تحت آموزش قرار می‌گیرند و همین زمینه، باعث رشد توانایی‌های مستقل این نیروها از منابع خارجی می‌شود.

۷. تعامل با ملت و دوری از تقابل اجتماعی

رابطه پیش از انقلاب سازمان انتظامی با ملت، بر مبنای سرکوب استوار بود؛ حال آنکه، ادبیات نظری انقلاب اسلامی، روندی مستقل از گذشته را برای

نیروهای تأمین‌کننده نظم و امنیت پدیدار ساخت؛ بدین ترتیب، روندی که طی آن، پیش از انقلاب، نیروهای حافظ نظم و امنیت جامعه در تقابل با ملت بودند، پس از انقلاب اسلامی در قالب‌های تعامل‌جویانه و هم‌افزا بروز و ظهور یافت و بر پایه تعالیم دینی و مذهبی، "پلیس مسلمان" را با ویژگی‌ها و فرهنگی متفاوت برای نخستین بار در منطقه پایه‌گذاری و عرضه نمود.

ب. الزامات و توصیه‌های راهبردی تداوم حرکت افتخارآمیز در چله دوم

انقلاب اسلامی

۱. بازتعریف سازمان‌انظامی جمهوری اسلامی ایران در افق تمدن اسلامی -

ایرانی

فراجا در طلوع انقلاب اسلامی مفهومی زیربنایی به‌عنوان "شاخص اسلامی" را در نظر داشت که بر طبق آن، ادغامی بنیادین صورت پذیرفت و ویژگی‌های نظری و عملی خود را بر اساس آن تدوین نمود. پس از چهل سال و ورود به عرصه بیانیه گام دوم انقلاب، این سازمان می‌بایست هرچه سریع‌تر در کنار انجام مأموریت‌های جاری خود، نسبت به برنامه‌ریزی برای افق نزدیک، آینده‌نگاری و آینده‌سازی ذیل معماری نیروهای مسلح اقدام نماید تا جایگاه خود را در تمدن آینده ایرانی - اسلامی بازتعریف نموده و نماد نیروهای انتظامی مستقل و اسلامی را به نمایش بگذارد.

۲. تدوین و تعمیق رویکرد تمدنی با توجه به الزامات فراچای آینده

ضرورت نقش‌آفرینی فراجا در فرآیند تحقق اهداف پیش روی انقلاب اسلامی بر هیچ کس پوشیده نیست. شکل‌دهی و تحقق تمدن نوین اسلامی به‌عنوان افق اهداف متعالی انقلاب اسلامی از یک سو و گسترده‌گی مأموریت‌ها و وظایف، پویایی محیطی، ابهام و عدم قطعیت، حرکت شتابنده تغییرات در حوزه فناوری اطلاعات، تغییر در ساختار تهدیدات، تعدد و پیچیدگی شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و قدرت نفوذ آن، از جمله مواردی است که نیروهای انتظامی را مکلف می‌کند تا با نگاه به آینده، حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سازمان انتظامی را مبتنی بر آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از تجارب و نظریه‌های

پیشرفته علوم و فنون نظم و امنیت بازنگری نماید و براساس تغییرات احتمالی، آمادگی خود را جهت مواجهه با پدیده‌های پیش رو بازتعریف نماید.

۳. حفظ، تقویت و افزایش اقتدار پلیس؛ بسترساز استقلال و آزادی

شهروندان

"اقتدار و قدرتمندی" پلیس در کنار برخورداری از "رحمت و عطوفت" به‌عنوان دو ویژگی مطلوب پلیس از نظر مقام معظم رهبری مورد توجه واقع شده است. ارزیابی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص ویژگی‌های پلیس مطلوب نشان می‌دهد که بیشترین تأکید معظم‌له بر ایمان و تقوا و ارزش‌های اسلامی، اقتدار پلیس، رحمت و عطوفت و مهربانی، نظم و انضباط، عزت و سربلندی و امانت‌داری است. این موارد، خود، بستر را برای نیل به فضایی امن و آرام در بهره‌مندی از استقلال و آزادی همه‌جانبه شهروندان و افزایش احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و کارآمدی سازمانی و احساس آرامش و اطمینان در سطح جامعه فراهم خواهد ساخت.

۴. نقش آفرینی در کنترل و نظارت بر آزادی‌های اجتماعی و مدنی

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، بیشترین تأکید را بر مقوله آزادی‌های اجتماعی داشته و آن را با "حق تصمیم‌گیری" و "عمل‌کردن" و "اندیشیدن" برای همه افراد جامعه معادل دانسته‌اند. آزادی - به‌ویژه آزادی‌های مدنی و اجتماعی - جزو حقوق اساسی مردم بوده و حق مطلب این است که آزادی باید تضمین شده و قدرت [حکومت در تحدید آزادی‌های اجتماعی] محدود گردد. از آنجاکه نیروهای انتظامی بازوی عمده نظام در حفظ نظم و امنیت عمومی در اجرای عادلانه قوانین است، بدون شک، نقش بی‌بدیلی نیز در بسط و قبض ساحت‌های مختلف آزادی، به‌ویژه آزادی‌های اجتماعی داشته و در این رابطه، چه در مرحله تصمیم‌سازی و چه در مرحله اجرا، می‌تواند نقش آفرین و تعیین‌کننده باشد.

۵. آینده پژوهی چالش‌های انتظامی و امنیتی

چالش‌های فراروی نیروهای انتظامی هم ناشی از آسیب‌های گذشته است و هم به فراخور زمان از سوی مؤلفه‌هایی در آینده نزدیک یا دور پدیدار گشته و

استقلال این نیرو را با دشواری‌هایی مواجه خواهد ساخت؛ از این رو، آینده‌پژوهی چالش‌های نوین پیش روی سازمان انتظامی باید به صورت مداوم و در قالب اسناد راهبردی مورد توجه و تأکید واقع شده و بر اساس آن، اسناد بالادستی تدوین شود تا با اقدامات پیش‌دستانه، زمینه‌های تقویت و تحکیم استقلال موجود و ساخت درونی نظام، قوی‌تر و مستحکم‌تر گردد.

۶. بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان و مدیران باتجربه نیرو جهت حداکثرسازی آزادی‌های اجتماعی در چارچوب شرع و قانون

با توجه به تجربه گران‌سنگ و نزدیک نیروهای انتظامی در تعامل با سه ضلع قوانین - هنجارها، امنیت و آزادی که در طول سالیان مدیریت حاصل شده است، این سازمان بیش از هر عنصر دیگری در کشور می‌تواند در زمینه طراحی بهترین شیوه پیاده‌سازی انتظام، امنیت ملی و عدالت اجتماعی، از سوی مراجع مربوط، طرف مشورت واقع شده و تصمیم‌سازان را با مشاوره‌های ارزنده‌ای که منجر به حداکثرسازی آزادی‌های اجتماعی می‌گردد، یاری نماید. در این خصوص، سازمان انتظامی قادر است از ظرفیت نخبگان و مدیران باتجربه خویش برای تهیه راهبردهایی که طی آن، امنیت و آزادی در بستر قوانین عادلانه، نسبتی تعاملی و تعالی‌ساز دارند، نهایت بهره را برده و خروجی‌های ارزشمندی را جهت بهره‌برداری به مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در دولت، شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی ارائه دهد تا در نهایت، قوانین و قواعد موجود ذیل اصل ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی بازبینی و اصلاح گردند.

۷. تقویت پلیس امنیت اقتصادی

مفهوم استقلال اقتصادی از جمله مواردی است که در بیانیه گام دوم انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است؛ بر این اساس، تقویت پلیس اقتصادی در راستای چشم‌اندازی بلندمدت جهت صیانت از حریم اقتصادی کشور، ضروری و منطقی به نظر می‌رسد. اهمیت این مقوله زمانی جلوه‌گر می‌شود که ارتباط این مهم با بحث صیانت از آرامش جامعه روشن شود؛ از آن جهت که چالش "صیانت از آرامش جامعه" با مسئله تحریم‌ها و جنگ اقتصادی تحمیلی از سوی دشمنان، از پیوندی غیرقابل انکار برخوردار است.

۸. ایجاد اقمار مشارکت مردمی

نکته بسیار مهم بعدی در گسترش هدفمند رابطه میان مردم و سازمان انتظامی نهفته است؛ بدین معنا که به وجود آوردن اقمار سازمانی در حوزه مشارکت مردم در فعالیت‌های عمومی پلیس در قالب‌هایی همچون شکل‌گیری سازمان بسیج مستضعفین و یا بسیج محلات در راستای ایجاد انتظام و امنیت محله‌محور بسیار راهگشاست. این روند چالش‌های ناشناس و دور از انتظاری را برای نیروهای پژوهشگر در حوزه انتظام ملی راهگشایی می‌نماید که شاید پیش از این، در حوزه‌های متعدد اجتماعی پنهان بوده و تنها از راه ارتباطات مردمی قابل تحلیل و بررسی بوده است.

۹. ورود به حوزه‌های پیشگیری انتظامی و امنیتی با تأکید بر روان‌شناسی

اجتماعی

یکی از وجوه پیشگیری از چالش‌های امنیتی در جامعه، تدوین اسناد پیشگیرانه بر اساس ذائقه روانی جامعه است. این مسئله جایگاه عمیق‌تری را در اعتلای جایگاه سازمان انتظامی در افکار عمومی به وجود می‌آورد و وجهه اقتدار و استقلال آن را افزایش می‌دهد؛ بر این اساس، درک صحیح از شرایط و نیازهای روز جامعه و تحلیل روانی آن با هدف شناسایی بهترین گزینه‌های رفتاری و واکنش‌های تأثیرگذار با درصد موفقیت بالاتر، از جمله مبانی مهمی است که در حوزه‌های پیشگیرانه می‌تواند ضامن استقلال نظری فراجا باشد.

۱۰. تأمین استقلال اقتصادی با تقویت امنیت اقتصادی

مهم‌ترین و ثمربخش‌ترین راه تأمین استقلال اقتصادی از طریق "تقویت امنیت اقتصادی" است که نمونه‌هایی از آن به قرار زیر است: ایجاد امنیت برای تولیدکننده ایرانی با جلوگیری از قاچاق کالا، نقش‌آفرینی پلیس در حفاظت از مالکیت فکری در کنار سایر ارکان اقتصادی دخیل در این حوزه همچون قوه قضائیه و دولت، ایجاد امنیت مصرف‌کننده با جلوگیری از واردات بی‌رویه کالاهای بدون هویت و ناسالم، حفاظت از امنیت غذایی کشور، جلوگیری از گسترش نهضت تولید مقالات و پایان‌نامه‌های بی‌کیفیت دانشگاهی و....

۱۱. تأمین استقلال سیاسی

در زمینه تأمین استقلال سیاسی کشور، نیروها و سازمان‌های بسیاری در رأس امور و با مسئولیت‌هایی سنگین‌تر از نیروهای انتظامی در حال خدمت‌رسانی هستند اما در این میان، مهم‌ترین وظیفه پلیس در تأمین استقلال سیاسی، رصد و برخورد موثر و به‌موقع با جریان نفوذ و جریان‌ات‌گر است که پیاده‌نظام دشمن تلقی می‌شوند و از قضا نقش بسیار چشمگیری در به چالش کشیدن استقلال سیاسی کشور ایفا می‌کنند.

۱۲. برخورد هوشمندانه با رسانه‌های وابسته و معاند در جهت خنثی‌سازی

توطئه‌های رسانه‌ای

هر سازمانی در زمینه‌های فرهنگی، وظیفه خاص خود را داراست که بخشی از آن در راستای فرهنگ‌سازی و ترویج فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی است و بخشی از آن به‌ناچار می‌بایست در مسیر مبارزه با فرهنگ‌های نادرست صرف شود. نتایج حاصل از بی‌تفاوتی در برابر ترویج فرهنگ‌های نادرست، به‌اندازه‌ای مخرب و هزینه‌بر است که گاه هرگز قابل‌جبران نخواهد بود. در این خصوص، پلیس نیز از طریق برخورد هوشمندانه با رسانه‌های وابسته و معاند در جهت خنثی‌سازی توطئه‌های رسانه‌ای و ترویج باورهای غلط و فرهنگ‌های ناسالم، نقش خاص خود را ایفا خواهد کرد؛ اموری نظیر مبارزه با ایجاد فضای ضدّ خودباوری و عدم‌استقلال، نظریه‌سازی و سپس پایه‌ریزی وابستگی، ترویج مد و مدگرایی، ترویج ابزارهای فرهنگی مسخ‌کننده جامعه همچون موسیقی‌های فاسد، فیلم فاسد و ...

۱۳. حفاظت، کنترل و مراقبت از مرزها

اساسی‌ترین وظایفی که نیروهای انتظامی در حوزه مرزها برعهده دارد، مراقبت و کنترل از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای درست معاهدات و پروتکل‌های مصوبه مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین کشور، در مرزها و محدوده انحصاری اقتصادی دریاها و رودخانه‌ها است و لازم به یادآوری نیست که انجام هر یک از این وظایف، به‌تنهایی، تاچه‌اندازه دشوار است و

در عین حال، هر کدام از این موارد، تاجچه‌اندازه در به‌ثمر رسیدن اهداف انقلاب در چله دوم به‌شکلی مستقیم و غیرمستقیم اثرگذار خواهد بود.

جدول ۲. خلاصه مباحث پژوهش

مفاهیم	مصادق‌ها	تعابیر امامین انقلاب	تعابیر در بیانیه گام دوم	دستاوردهای فراجا
استقلال	اقتصادی	- جلوگیری از وابستگی کشور به قدرت‌های بیگانه - جلوگیری از به‌یغمارفتن منابع اصیل ثروت مردم - مانع نفوذ دشمن و سلطه‌پذیری - تاثیر آشکار بر زندگی مردم	به‌کارگیری ده مرتبه واژه استقلال و سه مرتبه واژه وابستگی در بیانیه گام دوم با تعابیر زیر: - استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی اند و این هر دو عطیه الهی به انسان‌ها بندگان و هیچ‌کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند و ملت ایران با جهاد چهل ساله خود از جمله آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دست‌آورد، بلکه خون‌آورد صد‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره طیبه انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی‌توان در خطر قرار داد. همه - مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظف به حراست از آن با همه وجودند.	دستاوردهای چله اول: - ادغام نیروها و تشکیل ید واحد نظامی - تولید امنیت و انتظام ملی بر مبنای شاخص اسلامی - عدم وابستگی به سیستم‌های خارجی - مبارزه با نفوذ خارجی در حوزه امنیت - پایه‌ریزی علمی ساختار نیروهای نظامی - تربیت نیروهای متخصص بومی تعامل با ملت و دوری از تقابل اجتماعی الزامات و توصیه‌های راهبردی تداوم حرکت افتخار آمیز در چله دوم انقلاب اسلامی: - بازتعریف پلیس آینده در افق تمدن اسلامی - ایرانی - تدوین و تعمیق رویکرد تمدنی با توجه به الزامات ناجای آینده حفظ، تقویت و
	هویتی - فرهنگی	- برتری هویت و فرهنگ اسلامی بر فرهنگ غربی - منع مرعوب‌شدن در برابر فرهنگ وارداتی - تکیه بر هویت بومی ایرانی - اسلامی		
	سیاسی و ملی	- مانع دخالت کشورهای بیگانه در امور داخلی - زمینه‌های نفوذ در دنیا ناشی از عدم استقلال سیاسی - جمهوری اسلامی مظهر استقلال ملی در دنیا		
	علمی			
	فکری			
	فردی، سیاسی، اقتصادی			

مفاهیم	مصادقاها	تعابیر امامین انقلاب	تعابیر در بیانیه گام دوم	دستاوردهای فراجا
			<p>نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و "آزادی" نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش های الهی و حقوق عمومی تعریف شود</p> <p>- آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره ای بدرخشد و در دوره ای دیگر افول کند.</p> <p>- دوخته شدن نگاه امیدوارانه ملت های زیر ستم و جریان های آزادی خواه جهان و برخی دولت های مایل به استقلال به انقلاب اسلامی؛</p> <p>- قدرت های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند.</p> <p>- اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه هایی می کنم: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی</p>	<p>افزایش اقتدار پلیس بسترساز استقلال و آزادی شهروندان - نقش آفرینی در کنترل و نظارت بر آزادی های اجتماعی و مدنی - بهره گیری از ظرفیت نخبگان و مدیران باتجربه - پلیس جهت حداکثر سازی آزادی های اجتماعی در چارچوب شرع و قانون؛ - تقویت پلیس امنیت اقتصادی - ایجاد اقدار مشارکت مردمی؛ - ورود به حوزه های پیشگیری انتظامی و امنیتی با تأکید بر روان شناسی اجتماعی؛ - برخورد هوشمندانه با رسانه های وابسته و معاند در جهت خنثی سازی توطئه های رسانه ای؛ - حفاظت و کنترل و مراقبت از مرزها.</p>

نتیجه گیری

استقلال و آزادی در آغاز انقلاب، دو مفهوم بسیار مهم تلقی می شد و در سال های پس از انقلاب، در بستر انقلاب اسلامی، به مثابه دو امر جدایی ناپذیر در

تمامی ابعاد خود، به‌منصه ظهور رسید. تعابیر و تعریف‌های ارائه‌شده از امامین انقلاب - که خود، تربیت‌شده مکتب اسلام و فقه شیعی می‌باشند - حاکی از فهم عمیق ایشان از این دو مفهوم و نسبت بین این دو در نظام سیاسی جمهوری اسلامی است که آن را به‌شکلی متفاوت از سایر تعریف‌های ارائه‌شده از سوی سایر مکاتب جلوه‌گر می‌سازد. رهبران انقلاب این دو ارزش اساسی را عطیه الهی می‌دانند که تنها از طریق بندگی الهی در تمامی ابعاد آن ظهور و بروز می‌یابد؛ بر این اساس، هرچقدر که از ساحت بندگی و عبودیت الهی دور شویم، به همان میزان، استقلال و آزادی کاهش یافته و آفت‌ها و آسیب‌های بسیار در سطح فردی و اجتماعی پدیدار خواهد شد.

تحقق استقلال ملی در سطح ملت‌ها و کشورها آغازی بر یک پویش استقلال‌طلبانه جهانی است. در سطح جهانی، دو پویش استقلال‌طلبانه مطرح است: فراملی و امت اسلامی. پویش استقلال‌طلبانه فراملی در سطح جهانی به‌دنبال تحقق رویکردهایی نظیر استعمارزدایی، عدم‌تعهد به قطب‌های قدرت، ارتقا و هم‌بستگی کشورهای مخالف سلطه و درنهایت، نفی نظام و فرهنگ سلطه است. در پویش استقلال‌طلبانه امت اسلامی نیز چهار هدف عمده شامل وحدت اسلامی، بیداری اسلامی، عزت و اقتدار امت اسلامی و پیشرفت‌های علمی و اقتصادی کشورهای مسلمان به چشم می‌خورد. در منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی، "آزادی" یک ارزش الهی است که در تعالیم و مبانی اسلامی ریشه دارد و از تقلید کورکورانه غرب در این مورد برحذر شده‌است. اما آزادی در اندیشه امامین انقلاب، تفاوت ماهوی با تعریف این واژه در اندیشه غربی دارد و آن این است که در آن، افسارگسیختگی جای خود را به آزادی مقید به اخلاق نمی‌دهد. از طرفی، آزادی ارزشی خارج از دین مبین اسلام نیست. شاخص‌های منظومه فکری امامین انقلاب پیرامون آزادی شامل مطلق‌نبودن ارزش دموکراسی، آزادی علمی و عدم‌تبعیت از غرب، مرزهای معنوی آزادی، منطق، اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران، رعایت خطوط الهی و نفی نسبی‌گرایی، رقابت نظریه‌ها در چارچوب منطق و اخلاق، رعایت آداب آزادی و آموزش آن توسط نظام جمهوری اسلامی، منع تفرقه و اختلاف،

مباحث تخصصی و عام می‌باشد. براین اساس، انقلاب اسلامی بر پایه تعالیم اسلامی و برای تحقق شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" افراد، نهادها و دستگاه‌های مختلف را به سمت عدم وابستگی و اتکا به توان داخلی خود سوق داد که برکات و دستاوردهایی بی‌نظیری را در چهل سال اخیر به دنبال داشته‌است. یکی از این موارد، دستاوردهای نیروهای انتظامی است که توانسته‌است با قطع وابستگی از مستشاران خارجی، تغییر ساختار نظامی و انتظامی، تحول در نیروهای انسانی و تبعیت از بیانات امامین انقلاب در زمینه‌های امنیتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی، روان‌شناسی، مرزداری و ... دستاوردهای شگفت‌انگیزی را پدیدار سازد؛ دستاوردهایی که در افق و اهداف انقلاب اسلامی و و در راستای کمال جامعه تعریف شده‌است.



فهرست منابع

منابع فارسی

- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸) صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، روح‌الله (۱۳۵۷)، مصاحبه با مجله آلمانی اشپیگل درباره دلایل قیام مردم، قابل دسترسی در:
<http://www.imam-khomeini.ir>
- صالحی، سیدجواد (۱۳۹۶) "جایگاه آزادی در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)"، تهران، کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی (مجموعه مقالات، جلد سوم)
- صفارهرندی، محمدحسین (۱۳۹۷)، موتور انقلاب را خاموش کردند، انحراف پدید آمد، سخنرانی در گرگان، قابل دسترسی در :
<http://golestanema.com/s/58/61795>
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی
- مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران، قابل دسترسی در :
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>
- مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت (ع)، قابل دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۹۱۳۶>
- مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان، قابل دسترسی در
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۷۷۵>
- مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با فرماندهان گردان‌های بسیج، قابل دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۵۱۹>
- مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان سپاه، قابل دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۰۴>
- مقام معظم رهبری، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، قابل دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۸۹۷>

- مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با مردم شیراز، قابل دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۲۷>
- مقام معظم رهبری، بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان
 دانشگاه تربیت مدرس، قابل دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۰۰>
- _____ (۱۳۹۷)، "مروری بر تشکیل کمیته انقلاب اسلامی"، نشریه حریم
 امام، سال هفتم، شماره ۳۵۶، صص ۱۷ - ۱۰، قابل دسترسی در:
https://www.imam-khomeini.ir/fa/c202_146669/۳۵۶

